

خبرهایی از
سرویس خبری جامعه بهائی
Bahá'í World News Service
(BWNS)

مهـر و آبان‌ماه ۱۴۰۵

معبد بهائی

رونمایی از طرح معبد ملی کانادا

۲۶ مهر ۱۴۰۵

طرح معبد ملی بهائی کانادا رونمایی شـد. این طرح جلوه‌ای از نیایش و خدمتی اسـت که در سراسـر کشـور برای بهبود اجتماع جریان دارد.

مارکهام (Markham)، کانادا — طرح معبد ملی بهائی کانادا که دیروز رونمایی شد، با الهام از چند تجربه و دیدگاه شکل گرفته است: بازدید از جنگلزارهای آرامی که از دیرباز به‌عنوان محل نیایش جایگاه ویژه‌ای نزد مردم داشته‌اند، نگاه مردمان بومـی به سـرزمین و تصور جوانان از معبدی که همچون دوسـتی با آغوش باز پذیرای آنان باشـد. ایـن تجربه‌ها در طرح معبدی به هم پیوند خورده‌اند که پذیرای مردم با هر پیشینه‌ای خواهد بود؛ مکانی که مردم بتوانند در آن کنار هم دعا کنند و برای خدمت به اجتماع از آن الهام بگیرند.

فرانک اسکارپیتی (Frank Scarpitti)، شهردار مارکهام، و جاناتان تسائو (Jonathan Tsao)، نمایندۀ پارلمان استان انتاریو، در مراسم رونمایی از این طرح حضور داشتند. نمایندگان جوامع بهائی از سراسر کانادا، همسایگان محل احداث معبد و کودکان و جوانان جوامع اطراف نیز در این مراسم شرکت کردند.







کارن مک‌کای (Karen McKye) به نمایندگی از محفل روحانی ملی بهائیان کانادا سخن گفت و معبد را متعلق به همۀ مردم با هر دین و پیشینه‌ای دانست: «فضایی برای آنکه در آرامش تأمل کنیم و با آفریدگار و والاترین بُعد وجودمان پیوند برقرار کنیم.»

خانم مک‌کای ادامه داد: «اینجا می‌توانیم برای خدمت در عرصه‌های گوناگون زندگی، از جامعه و خانواده گرفته تا فعالیت‌های حرفه‌ای، الهام و نیرو بگیریم. به این ترتیب، این مکان دو جنبۀ اساسی و جدایی‌ناپذیر زندگی انسان و هدف او از زندگی را به هم پیوند می‌دهد: عبادت و خدمت، ایمان و عمل.»

او سپس روندی را شرح داد که اندکی پس از تشکیل محفل روحانی ملی بهائیان کانادا در سال ۱۹۴۸ آغاز شده بود. در سال ۱۹۵۳، جامعۀ بهائی کانادا تهیۀ زمینی برای احداث معبدی در آینده را در شمار اهداف خود قرار داد. زمین جنگلی محل احداث معبد در مارکهام در ۱۵ اکتبر ۱۹۶۸ به مالکیت این جامعه درآمد، یعنی تقریباً ۵۸ سال پیش از رونمایی از طرح معبد. در سال ۲۰۲۳، بیت‌العدل اعظم اعلام کرد که معبد ملی بهائی کانادا در نزدیکی حظیرةالقدس ملی این کشور — که سال‌ها از تأسیس آن می‌گذشت — ساخته خواهد شد.





مارگارت سولت (Margaret Sault)، رهبر ملت بومی «میسیساگاهای کردیت» (Mississaugas of the Credit First Nation)، در بیانیه‌ای به معنای نمادین این معبد پرداخت. این بیانیه را هدا فرهمندپور، یکی دیگر از اعضای محفل روحانی ملی، به نمایندگی از او خواند: «چشم‌انداز این معبد بر یگانگی نوع بشر استوار است. این مکان پذیرای مردم با هر دین و پیشینه‌ای خواهد بود و فرصتی فراهم خواهد کرد تا از راه عبادت و خدمت گرد هم آیند.»

خانم سولت افزود: «در جهانی که تفرقه و سوءتفاهم همچنان بر جوامع ما اثر می‌گذارند، باور به یگانگی نوع بشر اهمیت بسیاری دارد.»






معبدی در میان درختان

برای جیمز جینگ یی جیانگ (James Jing Yi Jiang)، معمار این معبد، شناخت رابطهٔ میان زمین و مردمی که در آن گرد هم می‌آیند به بخشی اساسی از فرایند طراحی تبدیل شد.
آقای جیانگ امسال با گروه کوچکی از معماران از محل احداث معبد بازدید کرده بود. جردن بیگ‌هورن (Jordan Bighorn)، عضو محفل روحانی ملی، و باب واتس (Bob Watts) نیز همراه آنان بودند؛ هر دو از تبار مردمان بومی‌اند. آنان دور آتشی گرد آمدنـد، دعـا خواندند و دربارهٔ این زمین و پیشـینهٔ آن از دیدگاه مردمان بومی تأمل کردنـد. این تجربه درک آنان را از اهمیت فرهنگی این مکان عمیق‌تر کرد.

آقای جیانگ گفت: «به یاد دارم نخسـتین بار که به دعای جردن گوش می‌دادم، با آنکه زبانش را نمی‌دانسـتم، جنگل و وزش باد را در آهنگ خواندن دعا حس می‌کردم. این تجربه مرا به این باور رساند که معبد نباید صرفاً بنایی در این طبیعت باشد؛ باید چنان به نظر برسد که گویی همیشه بخشی از آن بوده است.»

پنل‌های معبد با پیچشی ملایم رو به بالا امتداد می‌یابند و همان حس وزش باد را بازتاب می‌دهند. بنا از دور آرام و ساکن به نظر می‌رسد، اما وقتی بازدیدکنندگان به آن نزدیک می‌شوند و پیرامونش حرکت می‌کنند، انحناهای بنا حرکتی ظریف را تداعی می‌کنند.

طرح معبد از اصل بهائیِ «وحدت در کثرت» الهام گرفته است. آقای جیانگ توضیح داد: «این اصل در چیدمان نامتقارن نُه پنل یکسـان تجسـم یافته اسـت. این پنل‌ها در کنار هم ترکیبی متنوع و در عین حال منسـجم پدید می‌آورند و نشـان می‌دهند که برای شکل‌گیری مجموعه‌ای بزرگ‌تر، لازم نیست تفاوت‌ها از میان بروند.»
پیوند با زمین نیز در سراسر این طرح جلوه دارد. این اندیشه از نگاه مردمان بومی الهام گرفته است؛ نگاهی که زمین را زنده می‌داند. معبد با فضایی گشوده و رنگ‌های طبیعی چوب طراحی شده است تا با جنگل درآمیزد.




بـاد نیز از دیگر مفاهیم الهام‌بخش این طرح اسـت. پنل‌ها با پیچشـی ملایم رو به بالا امتـداد می‌یابند، به‌گونه‌ای که با نزدیک‌شدن به بنا، حرکتی ظریف در آن احساس می‌شود. آقای جیانگ گفت: «این معبد در پی بازنمایی باد نیست، بلکه می‌کوشد طنین ماندگار آن را بازتاب دهد؛ حضوری آرام و پیوسته که به‌جای آنکه دیده شود، احساس می‌شود.»

آقـای جیانـگ با یادآوری نخسـتین بازدید خـود از این محل گفـت: «دریافتم که مردم هـر روز به اینجـا می‌آمدند و دعا می‌خواندند؛ گویی معبد از پیش در این زمین بنا شده بود.»
«نمی‌خواستم معبد جدید این فضا را بر هم بزند؛ می‌خواستم مردم همان حسی را که پیش‌تر در اینجا داشتند در معبد نیز تجربه کنند.»




ایـن امیدها ریشـه در پیوند با این مکان دارند؛ پیوندی که اکنون بخشـی از حیات جامعه اسـت. آیافـور آیافور (Ayafor Ayafor)، عضو هیئت مشاورین قاره‌ای آمریکا، از جوانانی گفت که در برنامه‌های آموزش اخلاقی و معنوی بهائی در مناطق اطراف شرکـت می‌کننـد. این جوانان اغلب برای دعـا پیاده به محل احداث معبد می‌رونـد و برای ادامهٔ تلاش‌های خود در محله‌هایشان نیروی تازه‌ای می‌گیرند.

آقای آیافور این تجربه‌ها را بخشـی از الگویی گسـترده‌تر در سراسر کانادا دانست: الگویی که در آن مردم با پیشینه‌های گوناگون برای دعا گرد هم می‌آیند و دوشادوش یکدیگر به جوامع خود خدمت می‌کنند تا زندگی مردم بهبود یابد.

او گفت: «دعا دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند و به مردم قوت و استقامت می‌بخشد تا به تلاش‌های خود ادامه دهند، حتی زمانی که سهمشان اندک به نظر می‌رسد.»











آقـای تسـائو، نمایندۀ پارلمان اسـتان انتاریو، معبـد را مکانی توصیف کرد که «دعـا در آن ما را به خدمـت به جامعه‌مان فرامی‌خواند.» آقای تسـائو با اشـاره به نزاع، تفرقه و رنج در اجتماع گفت: «با خود می‌گویم امروز چقدر به این معبد نیاز داریم. بسیار خوشحالم که اکنون قرار است چنین مکانی در جامعۀ ما ساخته شود.»
او خطاب به بهائیان افزود: «شـما در تلاش برای گسـترش برابری و هماهنگی در اجتماع تنها نیستید.» سپس با تأکید بر پایبندی خود به یگانگی نوع بشر گفت: «من نیز به‌عنوان یکی از مسئولان منتخب این کشور به این باور و این تلاش کاملاً متعهدم.»

همسـایگان نیز احسـاس می‌کنند که این مکان پذیرای آنان اسـت. جمال مریک (Jamaal Merrick) در نزدیکی این محل زندگی می‌کند و مرتب در مسیرهای پیاده‌روی اطراف آن قدم می‌زند. او گفت این زمین نزدیک به ۶۰ سال با دقت و توجه نگهداری شده است. این مراقبت به او کمک کرده است دریابد معبد چگونه می‌تواند بخشی از زندگی محله شود.
آقای مریک با تصور روزی که ساخت معبد به پایان رسیده باشد، افزود: «می‌توانید به اینجا بیایید و دعایی از آیین خود یا به زبان خود بخوانید؛ از این تجربه به شیوۀ خود لذت ببرید و قدر آن را بدانید.»

آقای اسکارپیتی، شهردار مارکهام، گفت در طراحی معبد هم به این زمین و هم به جامعه احترام گذاشته شده است. او از دقت و توجه محفل روحانی ملی در «گوش سپردن به مردم و پذیرفتن تعهد در قبال جامعه» قدردانی کرد.

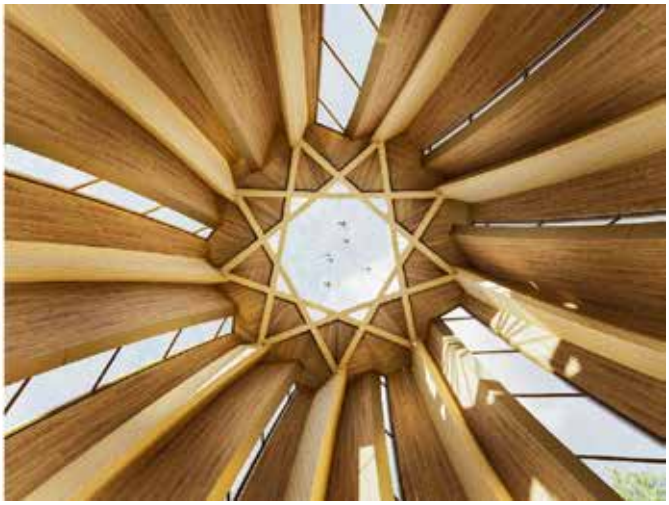
خانم مک‌کای گفت این رونمایی «نخستین تصویر از بنایی را پیش چشم می‌گذارد که امیدواریم برای مردمان کانادا چراغ وحدت و پناهگاه صلح باشد.»















بینش‌هایی از میدان عمل

۱ آبان ۱۴۰۵

شرکت‌کنندگان پنجاهمین کنفرانس انجمن مطالعات بهائی می‌پرسند که یگانگی چه تأثیری بر حوزه‌های فعالیتشان دارد

شرکت‌کنندگانی از رشته‌های گوناگون دانشگاهی بررسی می‌کنند که اصل یگانگی نوع بشر چگونه به تلاش‌های آنان جهت می‌دهد.

مرکز جهانی بهائی — در تازه‌ترین قسمت پادکست «بینش‌هایی از میدان عمل»، چند نفر از حدود ۲۱۰۰ شرکت‌کنندهٔ پنجاهمین کنفرانس سالانهٔ انجمن مطالعات بهائی در آمریکای شمالی حضور دارند. آنان بررسی می‌کنند که اصل یگانگی نوع بشر چه دلالت‌هایی برای حوزه‌های حرفه‌ای گوناگونی مانند سلامت، جغرافیا، انسان‌شناسی، علوم سیاسی و فناوری دارد.

شرکت‌کنندگان در تأملات خود بارها به پرسشی مشترک بازمی‌گشتند: اصل یگانگی نوع بشر چگونه درک افراد از رشته‌های دانشگاهی‌شان و شیوهٔ مشارکت آنان در پیشبرد این رشته‌ها را تغییر می‌دهد؟

جزمین میلر کلاین‌هنتس (Jasmine Miller-Kleinhenz) در مرکز پزشکی دانشگاه میسیسیپی دربارهٔ سرطان پژوهش می‌کند. او در تلاش برای توسعهٔ روش‌های درمانیِ نوعی سرطان تهاجمی پستان با پرسش دیگری نیز روبه‌روست: چرا گروه خاصی از زنان بیش از دیگران درگیر این بیماری بودند؟ به گفتهٔ او، توضیح‌هایی که این تفاوت را به تبار آنان نسبت می‌دادند، ظاهراً همهٔ ابعاد مسئله را روشن نمی‌کردند.

دکتر میلر کلاین‌هنتس توضیح داد که اگر نوع بشر را یک خانواده بدانیم، باید بپرسیم آیا اجتماع به شکلی سازمان یافته است که به سلامت همهٔ اعضایش کمک کند. این نگاه او را بر آن داشت تا شرایط زندگی این زنان را بررسی کند.

بسیاری از آنان به فضای سبز، غذای مغذی و آموزش باکیفیت دسترسی نداشتند. به گفتهٔ او، این شرایط بازتاب تصمیم‌هایی بود که تعیین می‌کردند اجتماع چگونه سازمان یابد و چه کسانی به منابع آن دسترسی داشته باشند.
او در پژوهش خود بررسی می‌کند که آیا زندگی در محله‌های محروم می‌تواند بر بدن افراد اثر بگذارد و یکی از عوامل تفاوت در وضعیت سلامت آنان باشد. همچنین بررسی می‌کند که آیا تغییر این شرایط می‌تواند به بهبود سلامت کمک کند. به گفتهٔ او، عمل به اصل یگانگی «نمی‌تواند صرفاً کار خوبی باشد که در حاشیهٔ پژوهشم انجام می‌دهم... باید پرسش‌های پژوهشی‌ام را هم شکل دهد.»

مایکل پن (Michael Penn)، روان‌شناس بالینی، این پرسش را بررسی می‌کند: پذیرش اینکه همهٔ انسان‌ها ماهیت روحانی مشترکی دارند، چه دلالت‌هایی برای مراقبت از افراد و حیات جامعه دارد؟ او این گرایش را به پرسش می‌کشد که آیندهٔ فرد را فقط حاصل عوامل زیستی و تجربه‌های اجتماعی بدانیم. به گفتهٔ او، تعالیم بهائی دربارهٔ روح انسان بر توانمندی افراد برای انتخاب و رشد تأکید دارند؛ برای نمونه، آنان می‌توانند دربارهٔ زندگی خود تأمل کنند و بر پایهٔ ارزش‌هایی که عمیقاً به آن‌ها باور دارند عمل کنند.
این نگاه توجه را به روابطی نیز جلب می‌کند که به افراد در پرورش این توانمندی‌ها کمک می‌کنند. در انجمن مطالعات بهائی گروهی با نام «همکاری در زمینهٔ سلامت روان» (Mental Health Collaborative) فعالیت می‌کند. دکتر پن و همکارانش در این گروه بررسی می‌کنند که حیات جامعه چگونه می‌تواند به بهروزی افراد کمک کند. او پرسید: «چگونه می‌توانیم جوامع و روابط اجتماعی را چنان شکل دهیم که سلامت روان شمار زیادی از مردم بهبود یابد؟»

دکتر پن توضیح داد که فعالیت‌های جامعه‌سازی بهائی چگونه افرادی با پیشینه‌های دینی، فرهنگی و اقتصادی گوناگون را برای نیایش، توجه و تمرکز، و گفت‌وگوهای روحیه‌بخش گرد هم می‌آورند. به گفتهٔ او، این فعالیت‌ها می‌توانند به تقویت روابطی «حمایتگر، دلگرم‌کننده و معنادار» کمک کنند و زندگی مشترک اعضای جامعه را به پشتوانه‌ای برای کسانی تبدیل کنند که با دشواری روبه‌رو هستند.

ویتنی وایت‌کاظم‌پور (Whitney White-Kazemipour)، انسان‌شناس، نیز رابطهٔ میان بینش روحانی و پژوهش علمی را بررسی کرد. او خاطرنشان کرد که اغلب نقش علم و دین را از هم جدا می‌کنند: علم را منبع شناخت واقعیت‌ها می‌دانند و دین را منبع ارزش‌ها. دکتر وایت‌کاظم‌پور از رابطه‌ای نزدیک‌تر میان این دو سخن گفت: «می‌توان علم و دین را دو نظام دانش دانست که هر دو در پی دستیابی به درکی دقیق از واقعیت‌اند.»

ادیب شفیع‌پور در زمینهٔ کاربردهای هوش مصنوعی در تشخیص بیماری پژوهش می‌کند. او بررسی می‌کند که این دو نظام دانش چگونه می‌توانند در کنار هم به پرسش‌های راهنمای توسعهٔ فناوری شکل دهند. او خاطرنشان کرد که اغلب دین را امری مربوط به زندگی شخصی و جدا از کار علمی می‌دانند. به باور او، بهره‌گیری از بینش‌های روحانی پرسش‌هایی از این دست را پیش می‌آورد: «این فناوری به ما امکان می‌دهد چگونه انسانی باشیم؟» این بینش‌ها می‌توانند به افراد کمک کنند «فناوری را به شیوه‌ای متفاوت توسعه دهند تا بتوانیم سنجیده‌تر از آن استفاده کنیم.»

دریک اسمیت (Derik Smith)، استاد ادبیات کالج کلرمونت مک‌کنا (Claremont McKenna College)، نیز دربارهٔ این پرسش تأمل کرد که مردم در ساختن چه نوع اجتماعی سهیم‌اند. او به تأثیر اصل یگانگی بر هدف‌ها و شیوه‌های تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی پرداخت و گفت: «به‌جای آنکه برای رسیدن به عدالت اجتماعی به دنبال دشمن بگردیم و در برابرش مقاومت کنیم یا با او مبارزه کنیم، می‌کوشیم با همراهی همهٔ کسانی که مایل‌اند به ما بپیوندند، اجتماعی را که خواهان آن هستیم بسازیم و از این راه عدالت اجتماعی را تحقق بخشیم.»

این پادکست بخشی از مجموعهٔ «بینش‌هایی از میدان عمل» است؛ مجموعه‌ای از روایت‌های دست‌اول دربارهٔ نمونه‌هایی از تلاش‌های بهائی در میدان عمل.